

برنامه تا آسمان

اسماء و صفات الهی ۲۵

رزاقیت خداوند ۶

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۰۲/۰۱/۲۷ مقارن با ۱۴۴۴/۰۹/۲۵ هجری قمری

(مجری)

امروز در خدمت شما هستیم و طبق روال روزهای یکشنبه، حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی آقای رضایی تهرانی در برنامه ما حضور دارند، خدمتشان سلام عرض می‌کنم، عرض خوش آمد و تشکر از حضور شما.

(استاد)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

من هم عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت حضرتعالی و همه بینندگان ثابت‌قدم و بزرگوار این برنامه.

(مجری)

سلامت باشید، خیلی خوش آمدید، ان شاء الله طاعات و عباداتتان قبول باشد، ما هفته پیش توفیق نداشتیم خدمت شما باشیم، امروز ادامه بحثمان را ان شاء الله خدمت شما خواهیم داشت. بحثمان درباره صفات الهی بود و در مورد بحث رزاقیت و صفت رزاقیت حضرت حق حاج آقا برایمان صحبت می‌کردند. اگر جلسات گذشته صفت رزاقیت را با ما همراه بودید، حاج آقا در مورد عواملی که باعث گشایش روزی می‌شد، به طور جزئی نکاتی را می‌فرمودند و مواردی را فرمودند، مصادیق دیگری از مصادیق جزئی اموری که در صفت رزاقیت خدا نقش ایفا می‌کند، حاج آقا ادامه بحث را می‌فرمایند. مطالب دیگر و سوالات دیگری هم هست که ان شاء الله در خلال بحث خدمت حاج آقا مطرح می‌کنم. دعوت می‌کنم باز هم با ما همراه باشید، خدمت شما هستیم.

(استاد)

بله، همانطور که پیش از این عرض کردیم، بعضی از این مصادیق و شاید بسیاری از این مصادیقی که ذکر می‌شود، عقل آدمی بدون وحی به آن راه ندارد. یعنی این یکی از منافع وحی است، یکی از فواید ارتباط با انبیاء و اولیاء است که اموری را انسان توسط آنها کشف می‌کند که اگر آنها نبودند به ذهن بشر نمی‌رسید. یکی از این موارد که در گشایش روزی نقش دارد، شتافتن به مسجد برای نماز جماعت است، پیش از اذان، ما در مساجد یک اذان اعلامی داریم، یعنی اذان که می‌گویند، حالا مردم کفش و کلاه می‌کنند به سمت مسجد بروند. اگر انسانی ساعت اذان را بداند و قبل از اینکه آن اذان اعلامی بشود، به مسجد بشتابد و لختی را در مسجد، قبل از اذان و نماز بوده باشد، این در گشایش روزی نقش دارد. گهگاه بعضی از جوانها، کوچه و بازار، پای منبرها از ما می‌پرسند که حاج آقا چه کار کنیم که در نماز حضور قلب داشته باشیم؟

یکی از کارهایی که برای حضور قلب نقش آفرین است، این است که انسان قبل از نماز، قبل از اذان، لختی را در سجاده بنشیند، با خودش خلوت کند، ذهن را متمرکز کند، یعنی همان حضور قلبی را که می‌خواهد در نماز برای خود ایجاد کند، همان را پنج دقیقه قبل از نماز در خود ایجاد کند. در حقیقت این مثل کسی است که می‌خواهد یک مسیر سربلندی را برود، خیز می‌گیرد برای اینکه این سربالایی را برود، پس شتافتن به مسجد پیش از اذان. مورد دیگر، همیشه با طهارت بودن، کاری است که ابتدا انسان خیال می‌کند سخت است اما برای کسانی که ۴۰ سال، ۵۰ سال، ۶۰ سال انجام دادند، می‌بینند کار سختی نیست. طهارت هم اعم از طهارت از حدث اکبر یا از حدث اصغر، یعنی اگر انسانی جنب است، سریع خود را به آب برساند و غسل کند. استاد ما مرحوم علامه طهرانی می‌فرمودند: «حتی اگر دسترسی به آب ندارد، برای اینکه در این حالت نباشد، تیمم بدل از غسل کند».

خانمی است، در ایام پیروید بوده، پاک شده، درست است که هنوز تا نماز مغرب و عشاء ده ساعت مانده است، پنج ساعت مانده است، ولی او سریع برود و خود را از این حالت خارج کند و بعد هم هرگاه، حالا در حال طهارت، حدث اصغری برای او پیش آمد، بلافاصله وضو بگیرد. دوام طهارت، یکی از آثارش گشایش روزی است، وگرنه

آثار فراوانی دارد که یکی از آثارش گشایش روزی‌های معنوی است و لذا است که در سیر و سلوک، یکی از دستورات اولیه اساتید سیر این است که انسان سالک از وقتی که در سلوک الی الله سیر می‌کند، باید دائم الطهاره باشد، دائماً در طهارت باشد.

(مجری)

دستورات سلوکی است.

(استاد)

جزو دستورات سلوکی است که در روایات ما هم بر او تأکید فراوانی شده است. چه اینکه حالا اگر بتواند دائم الصلاة هم باشد، بهتر است، دائم الصلاة به این معنا که خوشا آنانکه دایم در نمازند که حمد و قل هو الله کارشان بی. یعنی روح نماز همان حضور قلب است، این حضور قلب را بعد از اینکه وضو گرفت، آمد، در خود حفظ کند.

مورد دیگر تأکید بر خواندن ۳ یا ۵ رکعت نماز است که به این نماز صلاة وتر می‌گوییم. صلاة وتر دو اصطلاح دارد، گاهی به آن رکعت یازدهم نماز شب گفته می‌شود، گاهی به ۳ رکعت آخر نماز شب گفته می‌شود. یعنی مجموع شفع و وتر را وتر می‌گویند. اگر کسی اهل نماز شب هم نیست، این ۳ رکعت را بخواند. ۵ دقیقه قبل از اذان، ۱۰ دقیقه قبل از اذان انسان بلند شود، می‌تواند این ۳ رکعت را بخواند. این ۳ رکعت خواندنش بعلاوه خواندن نافله صبح در خانه، تأکید بر این است که در خانه باشد، چرا؟

چون به ما گفتند نماز شب را که یک عمل مستحبی است و هرچه به اخلاص نزدیک باشد بهتر است، در خانه بخوانید، برای نماز صبح به مسجد تشریف ببرید. خواندن نماز وتر بعلاوه نافله صبح در خانه، در گشایش روزی نقش دارد.

بین فقها اختلافی است که وقت نافله صبح کدام است، چه وقتی است، عده‌ای می‌گویند بعد از نماز صبح است، عده‌ای می‌گویند قبل از اذان صبح هم ممکن است، عده‌ای قائلند انسان اگر نماز شب خوانده، می‌تواند قبل از نماز صبح بخواند، اگر نماز شب نخوانده، صبر کند و بعد از اذان صبح نافله را بخواند.

خب مورد دیگر که از امام مجتبی (علیه السلام) در بحار، جلد ۷۳، صفحه ۳۱۸ داریم، ترک سخن لغو است. اینکه انسان به این آیه قرآن عمل کند، «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ».

حالا در سخن لغو بیشتر تأکید شده است و گرنه اختصاص به سخن لغو ندارد، کار لغو هم همین است. ما خیلی از کارهایمان هیچ بار ارزشی و مثبتی ندارد، انسان کار لغو را کنار بگذارد، به تعبیر آن دوست ما، گفت که آن قدر کار واجب واجب واجب داریم که دیگر به کار لغو نمی‌رسیم و از کار لغو مهم‌تر که خود نوعی کار لغو است، حرف لغو است، سخن لغو است و سخن لغو هم در فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام)، این تابلو را دارد که «إِنْ

كُنْتَ زَعَمْتَ أَنَّ الْكَلَامَ مِنْ فَضِيَّةٍ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ»^۲، آن حرفی که می‌خواهی بزنی اگر ارزش وجودی‌اش به اندازه نقره است، سکوت تو و نگفتن تو به اندازه طلا است، این مقدار حرف می‌تواند به انسان آسیب بزند. این روایت را قبلاً هم برای عزیزان دلم در این برنامه خواندم، صبح به صبح در عالم خبرها است، حالا ما چون کر و کوریم خیلی نمی‌شنویم. مثلاً یکی از خبرها این است، هر صبح، اول صبح فرشته‌ای از طرف خدای متعال در عالم ندا می‌کند: «إِدْوَالْمَوْتِ، وَاجْمَعُوا لِلْفَنَاءِ، وَأَبْنُوا لِلْخَرَابِ»^۳، برای مرگ بسازید، بسازید ولی بدانید این سازه شما روزی خراب می‌شود. خب خدا کند انسان گوشی پیدا کند که این سخن را اگر هر روزه نمی‌شنود، بعضی از روزها بشنود. یکی از چیزهایی که ما نمی‌فهمیم و نمی‌شنویم این است، می‌گوید که صبح به صبح که ما بلند می‌شویم، مشغول کار روزانه‌مان می‌شویم بشویم، تمام اعضاء و جوارح زبان را قسم می‌دهند، می‌گویند که آقای زبان، امروز اگر تو سالم باشی، ما هم سالم می‌مانیم، اگر سالم نباشی، ما هم به انحراف می‌رویم. معمولاً دست کج، پایی که کج می‌رود، گوشی که کج می‌شود، چشمی که کج می‌بیند، اگر تحلیل کنیم ریشه در زبان دارد. با این زبان با یک نفر انس گرفته، آن آقا یا خانم رفیق بد بوده، این آقای سالم بچه بسیجی حزب‌اللهی، اهل موسیقی شده است. با زبان با یک نفر سخن گفته، آن دختر خانم نامحرم بوده، نعوذ بالله به زنا کشیده است. همه می‌گویند که اگر امروز تو سالم بمانی، ما هم سالم می‌مانیم. اگر انسان از حرف لغو دست بردارد، به ضرورت سخن بگوید، گفت:

کم گوی و گزیده گوی چون در

تا ز اندک تو جهان شود پر

(مجری)

خیلی متشکرم، ممنون از شما، باز هم در این باره صحبت خواهیم کرد، بعد از اینکه یک بخشی را ببینیم، دعای روز بیست و پنجم را با هم مرور کنیم.

(تیزر)

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُجِيبًا لِوَلِيَّائِكَ، وَمُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُسْتَنَابًا لِسُنَّةِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ، يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ».

خدایا من را در این ماه دل بسته اولیاءات و دشمن دشمنانت قرار بده و آراسته به راه و روش خاتم پیغمبران گردان، ای نگهدارنده دل‌های پیامبران.

(مجری)

خدمت شما عزیزان هستیم، باز هم می‌خواهیم از مصادیق گشایش روزی و عوامل آن بگوییم، حالا خاطر م است، دو، سه جلسه گذشته حاج آقا گفتند که ۱۸۰ مورد است، ۱۰۰ مورد در ارتباط با افزایش و ۸۰ مورد در ارتباط با کاهش روزی که حاج آقا جمع‌آوری کردند. الان هم صحبتی که بود، می‌گفتند عزیزی گفته است که اگر این‌ها را نمی‌رسید همه‌اش را بگویید لاقلاً یک‌جایی چاپ بشود یا در دسترس قرار بگیرد. واقعاً اگر بخواهیم همه ۱۸۰ مورد را بگوییم، فکر کنم چند ماهی وقت می‌برد.

(استاد)

نه ان شاء الله سریع‌تر انجام می‌گیرد.

(مجری)

ولی خب اشاراتی که دارید، باز هم برایمان مفید است، بفرمایید، در خدمتان هستیم.

(استاد)

بله، از دیگر موارد گشایش روزی که بر او تأکید شده مخصوصاً در سخن رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)، بحار، جلد ۷۴، صفحه ۳۶۲، اطعام به دیگران است. پیامبر گرامی خدای متعال، حضرت ابراهیم (علیه السلام) بدون میهمان لقمه از دهانش پایین نمی‌رفت. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) وقتی می‌خواستند غذا بخورند، به اهل خانه می‌فرمودند که در را لایش را باز بگذارید که اگر میهمانی آمد، حتی این مقدار که بخواهد تا برویم در را باز کنیم، تأخیر ایجاد نشود. گفت که سلام علیکم، بگوییم که بفرمایید داخل و اینکه ما امروزه از اطعام‌ها دست کشیده‌ایم بخاطر ردیلت تکلف است. ببینید، من می‌توانم هر ۳۰ شب را افطاری بدهم، به یک شرط، به شرطی که افطاری ساده باشد؛ یک نان و کتلتی، یک نان و ککویی، یک آش رشته‌ای، یک سوپی با مقداری نان و پنیر و سبزی. وقتی می‌کنیمش چلو و جوجه و خورش و فسنجان، نتیجه این می‌شود که من بتوانم یک روز در ماه اطعام بدهم، اطعام هم باید حتی الامکان در خانه باشد، نه در رستوران، ولو انسان چند شب اطعام کند، چون می‌خواهد قضا و بلا را از خانه ببرد، نمی‌خواهد که از رستوران ببرد. خب، اطعام دیگران ولو به صورت ساده می‌تواند روزی انسان را گسترش بدهد. مورد دیگر که از امام صادق (علیه السلام) در کافی، جلد ۴، صفحه ۵۳ نقل داریم، میانه‌روی است، الْقَصْدُ به تعبیر کلام عرب، انسان نه در خرج اسراف کند، نه تنگدستی از خود نشان دهد، این روایت از اهل بیت (علیهم السلام) مکرر نقل شده، «ضَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ»^۴، ما ضامن (هستیم) که اگر کسی در طول زندگی میانه‌رو باشد، هیچگاه فقیر نمی‌شود. اخیراً مقام معظم رهبری به ملت توصیه کردند، گفتند که آقا شما را به جان هر که دوست دارید، از اسراف بپرهیزید. با یک لیوان آب می‌شود وضو گرفت، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود که من می‌گیرم، با یک قوری کوچک می‌شود غسل کرد، من با چند تا قرابه غسل می‌کنم، خب دارم اسراف می‌کنم؛ باید میانه‌روی و قصد را جدی گرفت.

دیگر از موارد، خوش‌نیت بودن است، روایت از امیرالمومنین (علیه السلام) است، «مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتُهُ، زِيدَ فِي رِزْقِهِ»^۵، اگر کسی آدم خوش‌نیتی باشد، بعضی‌ها آقای قاسمی‌نیا پیچیده‌اند، بعضی‌ها آدم‌های صاف و ساده و خیرخواه همه هستند. من دیدم در تمام دولت‌های آمریکا، مقام معظم رهبری به آن دولت نصیحت کرده است. گفته است که بابا شما ۳۰۰ میلیون جمعیت دارید، به فکر خودتان باشید، شما مقروض‌ترین دولت دنیا هستید،

تعداد زندانی‌هایتان از همه کشورها بیشتر است، تبهکار در کشور شما از همه جا بیشتر است. خب به خودتان برسید، چرا فضولی می‌کنید در سوریه و جاهای دیگر و همه عالم؟
خب اینکه انسان خوش‌نیت باشد، خوش‌نیتی رزق انسان را بالا می‌برد.

مورد دیگر، پشت‌سر برادر مومن دعا کردن است. در حقیقت من یک موقع اصلاً فقط برای خودم دعا می‌کنم، این که تنگ‌نظری است، یک موقع جلوی شما برای شما دعا می‌کنم، یک موقع نه، شما خبر هم نداری، شب قدر است، در آن «بِكَ يَا اللَّهُ» ها من پشت‌سر برادر مومنم دعا می‌کنم، این دعا روزی را برای من زیاد می‌کند، برای من دعاکننده (روزی را زیاد می‌کند). خیلی عجیب است، اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) فرمودند که شما دعا‌هایتان در صورتی مستجاب است که با زبانی دعا کنید که با آن زبان گناه نکرده‌اید. خب مردم پرسیدند آقا که است جز شما معصومین که با زبانش گناه نکرده است. فرمودند که نه، مراد ما این نیست، کاری کنید که زبان دیگری برای شما دعا کند، شما که با آن زبان گناه نکرده‌اید، آن دعا در مورد شما چه می‌شود؟
مستجاب می‌شود. من اگر پشت‌سر برادر مومنم، خواهر مومنم دعا کردم، روزی من زیاد می‌شود. از مواردی دیگر پرداختن زکات است. خیلی عجیب است، بعضی از چیزها در مقیاس مادی یک تفسیر دارد، در دستگاه معنوی پروردگار که می‌آید، تفسیر دیگری پیدا می‌کند.

(مجری)

اصلاً حالت عکس پیدا می‌کند.

(استاد)

حالت عکس پیدا می‌کند، یعنی من صدقه بدهم، دارم از پولم می‌کاهم، من زکات بدهم، دارم از شترهایم، گوسفندهایم، گندم‌هایم، جوهایم، کشمش‌هایم، خرماهایم، طلاهایم، نقره‌هایم می‌کاهم، معنی‌اش این است. من صلح‌رحم مالی کنم، دارم از جیبم می‌کاهم، خدای متعال می‌گوید که این کاستن، عین افزودن است. اصلاً طرف پیش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آمد، سه مرتبه پشت‌سر هم، سه روز متوالی، که «یا رسول الله أنا فی فقر مُدَقِّع»، به تعبیر من، من دارم از فقر می‌میرم، هر سه بار دستور یکی بود، «تَصَدَّقْ» پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گفت که صدقه بده، گفت که ندارم، (پیغمبر) گفت که کم بده، لازم نیست یک میلیارد بدهی، یک میلیون بده، پانصد هزار تومان بده، ولی صدقه بده. صدقه داد، روز چهارم آمد گفت که یا رسول الله چه شد!

یک موقع شما با ناخن داری زمین را می‌کنی، می‌بینی به اندازه گردن شتر آب بالا زد، قدرت خدا، این زکات دادن که می‌دانی مدت‌ها بود در کشور ما زکات فراموش شده بود، با همتی که حضرت حجت السلام و المسلمین قرائتی کردند که ما برای ایشان چون مریض‌احوال هستند، از خداوند متعال سلامتی برای این انسان خدوم، مخصوصاً در فضای رسانه، مخصوصاً در فضای رسانه ملی، از خدای متعال شفای عاجل طلب می‌کنیم. با همت ایشان زکات در کشور راه افتاد ولی هنوز ضعیف است، ما اگر زکات را جدی بگیریم، بالای چهل درصد فقر در کشور ما درمان می‌شود. پس دادن زکات، برای مزکی، آن کس که زکات می‌دهد گشایش روزی می‌آورد.

دیگر نیکوکاری، من اهل نیکوکاری باشم، من اهل دست گرفتن باشم، بخصوص امام صادق (علیه السلام) فرمود به خانواده خود، به خویشاوند خود، این روایت، روایت مشهوری است. اهل بیت (علیه السلام) فرمودند: «لَا صَدَقَةٌ وَدُورِ حِمِّ مُتَحَاجٍّ».

معنا ندارد شما به جای دیگر بخواهی صدقه بدهی، عمویت دارد از گرسنگی می‌میرد، خاله‌ات مشکل دارد، دخترخاله‌ات می‌خواهد ازدواج کند، نمی‌تواند. من گاهی وقت‌ها دیدم، در یک خانواده ثروتمندی سه نفر طلبه هستند و این‌ها چون رفتند درس دین بخوانند و به دنبال مال دنیا نرفتند، احیاناً دستشان بسته است. خب فامیل اگر بخواهند صدقات و مبرات و خمس و زکاتشان را بخشی‌اش را به این‌ها بدهند، این‌ها هم زندگی می‌کنند، درس می‌خوانند، ملا می‌شوند، شهید بهشتی می‌شوند، شهید مطهری می‌شوند. می‌بینی یک جاهایی خرج می‌کند (در حالی که) پسرعمویش محتاج است، فرمود نه، نیکوکاری روزی را زیاد می‌کند، بخصوص نیکوکاری به خانواده.

از موارد دیگر که روی آن خیلی تأکید شده، خوش‌اخلاقی است. نفس اخلاق خوش روزی را زیاد می‌کند، در بحار، جلد ۷۱، از امام صادق (علیه السلام) در این زمینه روایت داریم. از دیگر موارد، حج گزاردن است. ببینید حج گران است، قبول است، حاجی هم تا مستطیع نشود، حج بر او واجب نیست، اما یک نکته هست، واجب نیست، مستحب که هست. بعضی خیال می‌کنند من اگر مستطیع نبودم، نباید حج بروم، بر من حرام است. نه

اینطور نیست، بر حاجی اگر مستطیع باشد، حج واجب است، اگر مستطیع نباشد، استحباب موکد دارد. می‌گوید که آقا من خدمه می‌توانم بروم، می‌گویم که برو؛ می‌گوید که آقا من زبان‌دان از بعثه می‌توانم بروم، می‌گویم که برو. حج چیزی نیست که انسان معطلش کند، شما الحمد لله مشرف شدید. اصل حج گزاردن را مرحوم صاحب تحف از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل کرده است که در گسترش روزی نقش دارد، مخصوصاً اگر به ۳ بار برسد، این ۳ بار شدنش را امام صادق (علیه السلام) تأکید کرده است، مخصوصاً اگر تکرار شود که این تکرار را اصطلاحاً می‌گویم اِدمان الْحَجِّ، کسانی که مقیدند تا آن جایی که می‌توانند حج بروند، عرض کردم لازم هم نیست حتماً بخواید مستطیع باشید؛ البته نظام جمهوری اسلامی بخاطر اینکه همه حج بروند، در این زمینه محدودیت‌هایی دارد که قابل توجه است. پس این‌ها اموری است که رعایت که می‌کنیم، می‌بینیم زندگی گشایش پیدا کرد و روزی بیشتر شد.

(مجرى)

درست است، خیلی متشکرم، سوالات شما هم به دستم رسید، چهار، پنج تا سوال، خیلی جالب است یکی دوتایش هم یک مقدار خاص تر است. یک بخشی را ببینیم، برگردیم، سوالات را می‌خوانم، حاج آقا پاسخ بفرمایند.

(تیزر)

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾
وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾»

چه کسی ستمکترتر از آن کس است که بر خدا دروغ بسته یا حق را پس از آنکه به سراغش آمده تکذیب نماید، آیا جایگاه کافران در دوزخ نیست؟

و آن‌ها که در راه ما با خلوص نیت جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود هدایتشان خواهیم کرد و خداوند قطعاً با نیکوکاران است.

سوره مبارکه عنکبوت

(پایان تیزر)

(مجرى)

خدمت شما عزیزان هستیم، با حاج آقا هماهنگ کردیم که ان شاء الله بعد از نماز هم حدود ۱۰، ۱۲ دقیقه دوستان ما در پخش هم همکاری می‌کنند، ان شاء الله خدمتتان باشیم و سراغ سوالات بینندگان برویم، باز برایمان بفرمایید. اول این سوال را بپرسم، لطفاً از حاج آقا بپرسید بچه چگونه این نفرین پدر را که برو که نان سوار و تو پیاده باشی را بی اثر که فکر نکنم (بشود)، لاقلاً کم اثر یا چه کند که خدا این نفرین را بیخشد.

(استاد)

ببینید صورت مسئله دو تا است، یک موقع این پدر در حال حیات است، یک موقع از دنیا رفته است، اگر در حال حیات باشد، این بچه باید خدمت پدر برود، به هر نوعی که می‌تواند رضایت پدر را بگیرد، آن هم نه رضایت لفظی، رضایت قلبی، کاز سختی هم هست، می‌دانم؛ گاهی وقت‌ها انسان یک خطایی کرده که دل والدین رنجیده و این رنجش را من باید بروم به هر کیفیتی است برطرف کنم، چون تا وقتی دل والدین بسته است، درب آسمان‌ها هم بر روی من بسته است. اگر پدر از دنیا رفته، باید پدر را در برزخ خوشحال کنم، یعنی چه؟

یعنی پدر من بوده؛ باید ببینم که پدرم از چه خوشش می‌آمده، مثلاً پدرم دوست داشته من دست خواهر و برادرهایم را بگیرم، پدرم دوست داشته در ایام محرم و صفر، یک ده روزی روضه‌داری داشته باشد، خودش هم می‌گرفته، حالا برادر و خواهرها همت نمی‌کنند، من به یاد و نام پدر بگیرم. ببینیم پدر با چه چیزهایی خشنود می‌شده، من سعی کنم با آن خیرات و مبرات که او خشنود می‌شده، لبخند رضایت را در برزخ بر لبان پدرم بنشانم، چون پدر و مادر متوقع‌اند. علامه طباطبایی المیزان نوشت، چون برای عمل خودش ارزشی قائل نبود، به کسی هم هدیه نکرد. پدر ایشان، مادر ایشان از برزخ به وسیله‌ای پیغام دادند که آقای سید محمدحسین به ما جفا کرده، این تفسیر عظیم را نوشته، ثوابش را به ما هدیه نکرده است.

ایشان وقتی خبر را توسط نامه‌ای از برادرشان، از تبریز شنید، گفت: «خدایا من خیال می‌کردم این کتاب ثوابی

ندارد، اگر ثوابی دارد، همه‌اش برای پدر و مادرم باشد». از همان طریق دومرتبه گزارش شد که پدر و مادر راضی شدند و برای آقای سید محمدحسین دعا کردند.
پس اگر پدر فوت کرده، باید یک‌جوری لبخند رضایت را در برزخ بر لبان او بنشانند.

(مجری)

آیا ندادن‌ها و گرفتن‌های الهی هم مصداق روزی است؟

(استاد)

یقیناً چنین است، چرا؟

بخاطر اینکه بعضی از ندادن‌ها به مراتب از دادن‌ها به نفع آدمی است.

(مجری)

جریان همان یک سکه اگر بیشتر بشود.

(استاد)

به تعبیر قرآن کریم: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ».

من دوست دارم در احمدآباد مشهد یک خانه داشته باشم، ۱۰۰۰ متر، با بهترین متریا، یک باغ هم اطراف مشهد داشته باشم، ۲ هکتار، ماشینم هم ۳ تا باشد که یکی‌اش پورشه باشد و من اگر نصف این را خدا به من بدهد، اصلاً ایران نیستم، آن‌جا هم هر شب در مشروب‌فروشی‌ای، ۲ تا سگ هم دنبالم است؛ خب این به نفع من نیست، خدا هم به من نباید بدهد.

گاهی وقت‌ها خدا چیزی به من داده، اگر این را از من نگیرد، آفت است. پس خیلی وقت‌ها، گرفتن‌ها به تعبیر خودش: «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ».

گاهی وقت‌ها تنگ می‌گیرد و این تنگ گرفتن‌ها عین نعمت است و لذا فرمود که چطور سیل از بالای کوه به سمت پایین می‌آید، بلا برای مومن به همین کیفیت بر او نازل می‌شود. لذا فرمودند: «الْبَلَاءُ لِلْوَالِيَةِ»، شاعر هم گفت:

جام بلا بیشترش می‌دهیم

هرکه در این بزم مقرب‌تر است

(مجری)

می‌گویند که زنا یکی از عوامل فقر است، پس چرا بسیاری از زناکاران مرفه هستند؟

(استاد)

ببینید اینکه زنا از عوامل فقر است، مربوط به اهل ایمان است، کسانی که اهل ایمان نیستند، خدای متعال و لشان کرده است. قبلاً هم گفتم، عرب وقتی می‌خواست یک حیوانی را که نمی‌خواست دیگر به او آب و علف بدهد، از بین ببرد و آن حیوان را به هر دلیل نمی‌خواست بکشد، در بیابان او را می‌برد، افسارش را می‌انداخت بر کمر حیوان، اگر شتر بود، روی پشت (کوهانش) می‌انداخت، خب چه می‌شد؟

دو روز بعد، این حیوان یا از گرسنگی یا از تشنگی (مرده بود) یا طعمه شیر و گرگ (شده بود) و از بین رفته بود. خیلی‌ها را خدای متعال افسار را روی دوششان انداخته، «سُئِلَ اللَّهُ فَانْتَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ»^۹، خدا هم کاری به کار آن‌ها ندارد. اتفاقاً به این‌ها خدای متعال می‌دهد، «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ»^{۱۰}، این را این‌جا ولش کردند تا بچرد، «وَمَا لَهُ فِي الْأَخْرَةِ مِنْ نَصِيبٍ، وَمَا لَهُ فِي الْأَخْرَةِ مِنْ خَلْقٍ»^{۱۱}، و امثال ذلک، دیگر آن طرف خبری نیست.

مومن است که اگر خدای نکرده بلغزد و به این سمت و سو برود، ما دیدیم کسانی که اهل دین و ایمان بودند و متأسفانه گرفتار شدند، ولو اواخر عمر گرفتار فقر و فلاکت شدند.

(مجری)

قرضی هم که از مردم بخاطر تنگدستی می‌گیریم، مصداق روزی الهی است؟

(استاد)

بله، چرا مصداق روزی الهی است؟

چون در این عالم، هیچکس از خودش هیچی ندارد، بعد هم ما اول سال تحویل چه می‌گوییم؟

«يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ»، اینجور نیست که این آقا به همه قرض بدهد، به من قرض داده است، خاطر من را خواسته است، اینکه دل او به سمت من بیاید (روزی الهی است). بله، یک موقع یک نفر بگوید آقا اصلاً چرا قرض باید وجود داشته باشد؟

خدای متعال می‌فرماید که ما با قاعده تسخیر دنیا را اداره می‌کنیم، تسخیر یعنی چه؟

یعنی افراد را متفاوت می‌آفرینیم که با این تفاوت بعضی، بعضی دیگر را به کار بگیرند، مسخر کنند، با این به کار گرفتن بعضی، بعض دیگر را، عالم دنیا اداره بشود، وگرنه باید شغل‌هایی که احیاناً یک مقداری پست است، هیچکس به آن‌ها رغبتی نداشته باشد، با اینکه رغبت دارند، هر کسی شغل خودش را دوست دارد. خب این تسخیر، اینکه بعضی، بعضی را مسخر می‌کنند، همین در قرض مصداق پیدا می‌کند، یک نفر قرض می‌دهد، یک نفر هم قرض می‌گیرد. آن قرض‌دهنده از جیب خودش نمی‌دهد، قرض‌گیرنده هم از جیب این آقا نمی‌گیرد. مال، مال خدا است، خدای متعال هم دارد تدبیر می‌کند که به این وسیله عالم بچرخد. پس حتی قرضی که از دست دیگران می‌گیریم، حتی صدقه‌ای که فقیر از دست دیگری می‌گیرد، این عین رزق و روزی خدا است.

(مجری)

سوالی که گفتم یک مقداری متفاوت است، چطور خدا خیر الرازقین است، با اینکه گاه رئیس یک شرکت، همه زیرمجموعه خود را در رفاه نگه می‌دارد و خدا چنین نکرده است؟

(استاد)

بله، سر مطلب این است که اولاً مصداقاً که کم داریم که حالا بخواهد رئیس شرکتی (همه کارکنان را در رفاه بگذارد)، اتفاقاً رئیس شرکت، حق همه را تا آنجایی که بتواند می‌خورد و در استضعاف نگه می‌دارد، در دنیا که فعلاً این است. حالا اگر یک موردی (اینچنین) باشد، رئیس شرکت دارد ۴۰۰ نفر، ۵۰۰ نفر، ۱۰۰۰ نفر، ۱۰۰۰۰ نفر را تدبیر می‌کند و بودن همه این‌ها در رفاه مشکله‌ای ایجاد نمی‌کند اما اگر بخواهد که همه انسان‌ها در رفاه باشند، مشکلات فراوانی ایجاد می‌شود.

اولین مشکل این است که اصلاً در رفاه بودن همه با ذات و طبیعت عالم دنیا سازگار نیست، آن بهشت است که «لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ^{۱۲}»، آنجا انسان ابزار کارش اراده است، هرچه اراده کند، هست. در عالم دنیا تزامم است، تصادم است، شر است، نقص است، کمبود است، بدی در کنار خوبی است، «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا^{۱۳}»، اگر بخواهد همه در رفاه باشند، یعنی عالم دنیا بهشت بشود، این معنا ندارد. گذشته از اینکه، الآن گفتیم، اگر همه در رفاه باشند، دنیا نمی‌چرخد. در یکی از شهرهای سوئیس یک موقعی پیش آمد که حالا بر اثر تصادف، خواسته یا ناخواسته همه در یک سطحی بودند، مثلاً همه دکتر و مهندس بودند. نتیجه این شد که حدود یک سال مردم مجبور می‌شدند که باید آشغال خود را عقب ماشین می‌گذاشتند، بیرون شهر می‌بردند، آنجایی که آشغال‌ها را می‌سوزاندند، خودشان تخلیه می‌کردند، خودشان برمی‌گرداندند. امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: «لَوَاسْتَوُوا النَّاسَ لَهَلَكُوا»، که اگر همه مردم در یک سطح بودند، همه هلاک می‌شدند.

(مجری)

آن بحث رقابت هم هست؟

(استاد)

رقابت هم هست، غیر از رقابت، اگر قاعده تسخیر نباشد، عالم اداره نمی‌شود. این اداره شدن عالم ماده (با قاعده تسخیر است) و لذا است بخشی از این دستورات دینی هم برای همین تسخیرها است. می‌گوید که تو اربابی، ده تا نوکر داری، چگونه عمل کن. تو رئیس شرکت هستی، ۵۰ تا زیرمجموعه داری، چطور عمل کن. تو پدری، ده تا نان‌خوار داری، چطور با نان‌خوارهایت عمل کن. چرا این دستورات آمده است؟ چون عالم دنیا طبیعتش این است و این طبیعت را اگر از دنیا بگیریم، دنیا دیگر دنیا نخواهد بود. پس جواب این سوال، جواب مشخصی است، اداره یک شرکت به مراتب با اداره دنیا، با هویت دنیا کاملاً متفاوت است. و لذا خدای متعال دارد درست عمل می‌کند و حکیمانه عمل می‌کند.

(مجری)

درست است، پیامی را که خواندم، پدر جمله‌ای را در حق پسرشان گفتند، دوباره پیام دادند که خدا را شکر پدر زنده است، فقط خواهشاً بفرمایید که چه کار کنم.

(استاد)

خب به نظرم اگر پدر زنده است که خیلی کار، کار آسانی است. ببینید، پدر و بچه تعلق ذاتی دارند، من این را مکرر گفتم، در قرآن کریم که مراجعه می‌کنیم، پدر و مادر در سرازیری هستند، بچه در سربالایی است، یعنی چه؟ یعنی قرآن به پدر و مادر مدام می‌گوید که بخاطر بچه‌ات جهنم نروی، «أَتَمَّا أَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ فَتَنَّةٌ ۱۴»، بخاطر آرامش او وام ربوی نگیری، بخاطر آرامش او خودت را به سختی بیخود نیندازی، مدام ترمز، ترمز، ترمز، چرا؟ چون ذاتاً پدر و مادر برای بچه جان می‌دهند. به بچه که می‌رسد، می‌گوید: «وَيَا أَلْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا، إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۱۵»، نازک‌تر از گل به آن‌ها نگویند، درست؟

اگر پدر زنده است، باید با پدر ارتباط گرفت، دستش را بوسید، صورتش را بوسید، عبد پدر و نوکر پدر شد در آن بخش که خلاف دین توقعی از تو ندارد باید انجام داد و دل پدر را به دست آورد و دل پدر به دست می‌آید، چون پدر محبت ذاتی به بچه دارد.

(مجری)

خدا سایه پدرها را برای فرزندانشان نگه دارد، آن‌هایی هم که از دار دنیا رفتند، خدا همه‌شان را غریق رحمت کند. یکی دو تا سوال در این چند دقیقه خیلی سریع بخوانم حاج آقا، گفتند که الآن حاج آقا گفتند که تا مستطیع هستید حج بروید، یک بار، دو بار، سه بار، با اینکه بیشتر روحانیون می‌گویند که حج یک‌بارش (پول) داشتی و رفتی واجب است ولی (پول) داشتی، نیازی نیست چندباره حج بروی، هزینه‌اش را به نیازمندان کمک کن، ثوابش مانند رفتن به حج است. واقعاً با این همه خانواده‌های (مستمندی) که ما در جامعه داریم، کمک به ایشان واجب‌تر از چند بار حج رفتن است؟

(استاد)

ببینید این مسئله خیلی در جامعه ما گسترده شده است، در بحث حج این را می‌گویند، در بحث زیارت اربعین این را می‌گویند، در بحث زیارت مشهد این را می‌گویند، من به نظرم دارد یک مغالطه‌ای صورت می‌گیرد و آن مغالطه‌اش این است که ببینید، معنی‌اش این نیست که اگر من به حج مستحبی رفتم، دیگر کار خیر دیگری نکنم، الآن ما داریم عوامل گشایش روزی را می‌گوییم، شما حج مکرر می‌روی، روزی‌ات ۱۰ برابر می‌شود، از آن ۹ برابر اضافه‌اش بردار و خیرات و مبرات دیگر انجام بده.

(مجری)

هر دو کار را انجام بده.

(استاد)

انجام بده به این معنا که من دارم یک کاری می‌کنم، ۱ تومانم، ۱۰ تومان شود، ۱۰ تومانم، ۱۰۰ تومان شود، ۱۰۰ تومانم، ۱۰۰ میلیارد بشود. خب از آن افزوده شده روزی‌ات به دیگران بده، وگرنه حج خانه خدا و اصلاً زیارت خانه خدا در حدی است که اولاً به ما گفتند که اگر یک روزی، یک هفته بگذرد و دور کعبه کسی نگردد، عذاب آسمانی نازل می‌شود و بعد بر حاکم اسلام واجب است که عده‌ای را مجبور کند که بروند و دور خانه خدا بگردند. پس نه این (حج رفتن)، کربلاش هم همین است، من کربلا که رفتم، روزی به من می‌رسد، روزی به من اضافه می‌شود، خب از آن افزوده روزی‌ات دست ۱۰ تا خانواده دیگر را بگیر؛ این دوگانه‌سازی، دوگانه‌سازی درستی نیست.

(مجری)

چگونه برای بچه‌هایمان دعا کنیم که خوب و موثر باشد؟

(استاد)

راه اینکه برای بچه که می‌خواهیم دعا کنیم، خوب و موثر باشد، این است که دعای ما از عمق دلمان باشد، لقلقه زبان نباشد. یعنی والدین وقتی «بِکَیَا اللَّهُ» می‌گویند، «بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ»، می‌گویند، این از عمق دل بگویند که خدایا این دختر من از مسیر عفت جدا نشود، دانشگاه آزاد رفت، آسیب نبیند، رفت محیطی در خارج از کشور آسیب نبیند. از عمق دل اگر انسان دعا کند، گفت: «از دل که برآید، بر دل بنشیند».

(مجری)

گفتند ولی واقعاً من یک حرف زیبا از حاج‌آقا شنیدم که هیچوقت نشنیده بودم، گفتند که اگر می‌خواهی حاجت بگیری، ببین زبانت کسی را اذیت نکرده باشد، چون با همان زبان حاجت می‌خواهی، زبانت باید از تو راضی باشد. ممنون از برنامه خوبتان، میهمانان محترم طاعاتتان قبول، حاجاتتان روا باشد. ان‌شاءالله، از شما ممنونم. من ۲ دقیقه فرصت دارم، یک سوال بخوانم حاج‌آقا، اگر پاسخش ماند بعد از نماز ان‌شاءالله (جواب بدهید).

آیه ۳۱ سوره اسراء می‌گوید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ لَنْ نُرْزُقَهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»، دلالت بر این ندارد که والدین به برکت اولاد روزی می‌خورند؟

(استاد)

صریح در این مطلب است، «لَنْ نُرْزُقَهُمْ وَإِيَّاكُمْ»، قدیم بچه‌ها را می‌کشتند، دخترها را زنده به گور می‌کردند، به چه استدلال؟

می‌گفت که پسر مولد است، دختر مصرف‌کننده است، من پسر مولد را نگه می‌دارم، بیل می‌زند، کلنگ می‌زند، کمک من است، دختر که فقط می‌خورد، در خانه است، قدیم هم زن‌ها و دخترها اهل کار بیرون منزل نبودند. می‌گویند که خب من این را می‌کشم، پسر را زنده نگه می‌دارم. چه گرفتاری‌ای خدا پیدا کرده است، باید بگویند

که نه نکش، «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ»، چرا؟

فرمود که من تو هم دارم به برکت او روزی می‌دهم. این‌هایی که مانند من کثیرالاولاد هستند، می‌دانند، ما که اینطور بودیم، هر بچه‌ای که آمده با خودش چیزی آورده، اولی آمده، خانه آورده، دومی آمده، ماشین آورده، سومی آمده ...

یعنی بچه مانند مهمان است، فرمود: «الضَّيْفُ إِذَا نَزَلَ نَزَلَ بِرِزْقِهِ وَإِذَا خَرَجَ خَرَجَ بِالْبَلَاءِ»، میهمان قبل از اینکه بیاید، روزی‌اش را می‌آورد. بچه قبل از اینکه بیاید، روزی‌اش را آورده است، نه فقط سینه مادر پر از شیر شده است، جیب پدر هم پر پول شده است و لذا است که اگر دقت کنیم، ما داریم توسط فرزندان روزی می‌خوریم، نه اینکه آن‌ها توسط ما روزی بخورند.

(مجری)

من سراغ سوال بیننده بروم حاج‌آقا، این سوال را بپرسم و بعد ادامه سوالات خودمان، آیا نفس رضایت والدین از فرزند سبب گشایش روزی است یا دعای خیر آن‌ها هم لازم است؟

(استاد)

همان نفس رضایت والدین از فرزند سبب گشایش روزی است، اگر دعا هم بکنند، به تعبیر ما دوقبضه می‌شود، نور علی‌النور می‌شود. خود اینکه پدر و مادر، قلبشان، نفسشان، روحشان از بچه‌شان راضی است، کلی گشایش روزی برای بچه ایجاد می‌کند. حالا اگر دعای خاص هم کرد، مخصوصاً در مظان استجاب دعا، دعا کرد، طبیعی است که بیشتر خواهد بود.

(مجری)

دیگر از ماه رمضان (برای استجاب دعا) بهتر نداریم. حاج‌آقا این سوال را بپرسم، آیا تأثیرگذاری اسباب گشایش و تنگی روزی یکسان است؟، از کجا مقدار تأثیر را کشف کنیم؟

(استاد)

بله، سوال بسیار کاربردی و ارزشمندی است، سوال این است که ما حالا ۱۰۰ تا عامل گشایش روزی داریم

می خوانیم که تقریباً نیمی اش را خواندیم، آیا این‌ها تأثیرگذاری اش یکسان است یا متفاوت است. نخیر، تأثیرگذاری یقیناً متفاوت است، تأثیرگذاری یکسان نیست. خب، سوال این است که من این مقدار تأثیرگذاری را از کجا کشف کنم، سوال شما این است. ببینید چند راه برای کشف مقدار تأثیرگذاری اسباب گشایش روزی وجود دارد، اولی آن مقدار تأکیدی است که در دین بر آن شده باشد. یک موقع مثلاً یک عامل گشایش روزی، در یک روایت، یک گوشه‌اش ذکر شده است. این هم عامل گشایش روزی است. یک موقع عامل گشایش روزی آیه دارد، روایت دارد، روایت از امامان مختلف با لسان‌های گوناگون دارد، انسان می‌فهمد که این خیلی عامل قوی‌ای است، مثل مسئله استغفار. اینکه استغفار مایه گشایش روزی است، هم در قرآن کریم آمده، هم در روایات از ائمه (علیهم السلام) روایت شده، هم با زبان‌های گوناگون (روایت شده است) که انسان حالش، حال طلب مغفرت باشد، ذکر اگر با حال هماهنگ شود، تأثیرش خیلی بیشتر است، حال استغفار دارد، حالا با زبان می‌راند، «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ عَلَيْهِ»، یا استغفار کبیر، «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، چه استغفار کبیر، چه استغفار صغیر، چه استغفار اصغر، «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، این ذکر فوق تخصصی روزی می‌شود، پس این یک (مورد که عرض شد). دومین عامل تجربه است، دیگران تجربه کردند، خود من تجربه کردم، یعنی دین امروز که به دست ما نرسیده است، ۱۴۰۰ سال گذشته است، افراد مختلفی آمدند و این عوامل گشایش روزی را تجربه کردند. مثلاً می‌گوییم جزو مجربات این است که انسان بین الطلوعین بیدار باشد، موردی من داشتم که می‌گوید حاج آقا هر کاری می‌کنم این گره زندگی‌ام باز نمی‌شود.

می‌گویم که خوابت را تنظیم کن، یک اربعین، ۴۰ روز از اذان صبح تا طلوع آفتاب بیدار باش.

(مجری)

یعنی این یک دستورالعمل است؟

(استاد)

بله یک دستورالعمل است، هفته اول به پایان نرسیده زنگ می‌زند، می‌گوید که حاج آقا حل شد، درست شد، اصلاً از عالم غیب رسید، یعنی ببینید پس تجربه افراد هم می‌تواند در این زمینه چه داشته باشد، نقش داشته باشد. این تجربه، می‌تواند تجربه دیگران باشد، همگانی یا تجربه خصوص من باشد، این تجربه خصوص من را باید یک مقداری توضیح بدهم. ببینید دین موضوعش انسان است اما موضوعش «كُلُّ إِنْسَانٍ، كُلُّ إِنْسَانٍ» است، هر انسانی، هر انسانی شاکله خاص دارد، اینکه با شاکله من کدام یک از این عوامل بیشتر می‌خواند و به شاکله من می‌نشیند، این به تجربه شخصی من برمی‌گردد، این تجربه شخصی می‌تواند تأثیرگذار باشد در اینکه من می‌بینم با این عامل بیشتر نفسم گره خورد یا با این عامل (بیشتر نفسم گره خورد)، غیر از آن تجربه‌های عمومی، یا به آن عامل بیشتر نفسم گره خورد. پس یکی لسان روایات، مقدار تأکید در آیات و روایات، یکی هم تجربه، تجربه هم دو صورت داشت:

تجربه عمومی مومنان و تجربه شخصی که حالا من می‌توانم داشته باشم.

(مجری)

آیا می‌توان با تجربه، بعضی از اسباب گشایش روزی را کشف کرد که در روایات نیامده باشد؟

(استاد)

این یک سوال قابل توجهی است، ببینید، دین را ما دین کاملی می‌دانیم، معنی دین کامل چه است؟ معنی دین کامل این است که مطلبی که به درد انسان بخورد و انسان را به بهشت نزدیک کند و از دوزخ دور کند و در دین نیامده باشد، چنین مطلبی وجود ندارد.

بله، ما می‌توانیم مصداق جدید کشف کنیم، کلی گفته شده است، داریم مصداق کشف می‌کنیم. مثلاً گفتند آقا نیکوکاری، خب این نیکوکاری در قدیم به این بوده است که من نانی به کسی بدهم؛ حالا من در یک محیطی هستم، تعداد فراوانی هستند که به اینترنت نیاز مبرم دارند، کارهایشان را تدبیر کنند و فقط من هستم که اینترنت دارم، برای آن‌ها دسترسی می‌دهم، دارم نیکوکاری می‌کنم ولی این مصداق زمان امام صادق (علیه السلام) وجود نداشت و امثال ذلک فراوان است که ما می‌آییم توسعه مصداقی می‌دهیم ولی آنچه را که برای گشایش روزی لازم

بوده، دین گفته و من باید بر اساس همان اعتماد کنم و به همان‌ها عمل کنم.

(مجری)

یک سوال بیننده به دستم رسید، بخوانم. سلام خدمت کارشناس محترم، من حق الناس به گردنم است، دست‌وبالم هم تنگ است، از آتش جهنم می‌ترسم، یک راهکار می‌شود بفرمایید.

(استاد)

ببینید، اولین راهکار این است که اگر آن کسانی که نسبت به آن‌ها حق الناس دارد زنده هستند و وجود دارند، این آقا برود با گردن کج، نه با سینه ستبر، بگوید که من این مقدار به شما بدهکارم، این هم کف دست من، مو ندارد، به من فرجه‌ای بدهید یا از من بگذرید و من دیدم در بسیاری از موارد اگر انسان درست عمل کند، آن‌ها هم می‌گذرند، یعنی می‌گویند همین که آمدی و گفתי و تزلزل کردی، همین برای ما کافی است.

اگر نتوانستم، حتماً باید در وصیت‌نامه‌ام بنویسم که اگر بعد از مرگ چیزی از ماترک داشتم، باید حق الناس پرداخت شود. اگر حق الناسی است که مالی نیست، غیبت کسی را کردم، پشت سر کسی بد گفتم، اگر حلالیت طلبیدن مشکل ایجاد می‌کند باید از طرف او رد مظالم بدهم، صدقه بدهم و اگر نمی‌توانم برای او اعمال عبادی انجام بدهم. حالا حرمی می‌روم، روزه مستحبی می‌گیرم، او را در ثوابش شریک کنم و به هر حال باید همین‌جا حساب را صاف کنم، چون خدا روز قیامت از کروکروور حق الله می‌گذرد اما از یک درهم حق الناس نمی‌گذرد.

(مجری)

خیلی ممنونم، دوستان به من بگویند که چقدر من فرصت دارم، یک سوال می‌خواهم مطرح کنم، چرا با اینکه خود اهل بیت (علیهم السلام) به این اسباب گشایش روزی عمل می‌کردند، گاه در فقر به سر می‌بردند، مانند موسی بن جعفر (علیه السلام)؟

(استاد)

سوال خیلی خوبی است، ببینید ما به اسباب گشایش روزی عمل می‌کنیم، باید هم بکنیم، اما اینکه صلاح ما چیست و مقدر ما چیست، او حرف دیگری است. به ما گفتند شما هر وقت دعا می‌کنید که خود دعا یکی از اسباب گشایش روزی است، چه بر لفظ برانید، چه بر لفظ نرانید، یک جمله در ذهنتان باشد، هر دعایی که می‌کنید، انتهای آن به خدا بگو: «إِنَّ كَانَ هَذَا صَلاَحًا»، اگر صلاح و مصلحت من هست، ممکن است خیر و صلاح من نباشد و

اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) اصلاً بخشی از فقرشان خودخواسته است، یعنی چه؟

امیرالمومنین (علیه السلام) فقیر نبود، ثروتمند بود ولی هر کس می‌دید، خیال می‌کرد فقیر است، چرا؟

آن قدر می‌بخشید که چیزی کف دست نمی‌ماند، گذشته از اینکه خدای متعال می‌فرماید من گاهی خوبان در گاهم را در یک سطحی نگه می‌دارم که این‌ها الگوی دیگران بشوند، خود امیرالمومنین (علیه السلام) نسبت به مسئولین حکومتی فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدَّرَ وَأَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْ لَا يَتَبَيَّعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ ۱۷»،

انسان مسئول، نماینده مجلس، نخست‌وزیر، این باید خودش را در سطح پایین مردم نگه دارد، چرا؟

که فقیر بگوید که این هم از خودمان است. من خبر موثق دارم، بعضی از زیراندازهای خانه مقام معظم رهبری، زیرانداز زمان ازدواج ایشان است، هنوز دارد کار می‌کند، آن هم زیلو، زیلو خب زیرانداز سفتی است، زیرانداز نرمی نیست و آقا اجازه تغییر نمی‌دهند.

مرحوم امام (رحمت الله علیه) در نجف، در آن گرمای ۵۰ درجه نجف، می‌خواستند برایشان کولر تهیه کنند، فرمودند آخرین طلبه‌ای که در مشهد توانست کولر تهیه کند، بعد برای من کولر آبی تهیه کنید و اجازه ندادند، با همان پنکه‌های موجود خودشان را خنک می‌کردند، چرا؟

چون طلبه وقتی می‌گوید که حاج آقا روح الله هم مانند ما است، این آرامش پیدا می‌کند. پس فقر در مورد اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) با اینکه آن‌ها به اسباب گشایش روزی هم عمل می‌کردند، عوامل دیگری دارد که یکی از این عوامل الگو بودن آن‌ها است، برای اینکه من هم بتوانم مانند موسی بن جعفر (علیه السلام)، حالا اگر دخترانم با یک چادر مجبور شوند به صورت متناوب نماز بخوانند، برایم فشاری نداشته باشد، بتوانم تحمل کنم.

(مجری)

درست است، من ۲ دقیقه فرصت دارم، باز هم از آن مقادیر شاید یکی دو موردش را برسید که بگویید.

(استاد)

بله، امام صادق (علیه السلام) فرمودند انگشتر فیروزه به دست داشتن در گشایش روزی تأثیر دارد. حالا که به انگشترها رسیدیم، انگشتر عقیق به دست داشتن همینطور است، انگشتر یاقوت به دست داشتن همینطور است و لذا الآن در بازار هست انگشترهایی که ۹ نگین است یا ۷ نگین است. اینها هر کدام (خاصیت خود را دارد)، مثلاً در خاصیت خودش را دارد، حدید صینی خاصیت خودش را دارد.

(مجری)

بخشید، اجازه می‌دهید سوال بیننده را بپرسم، چون احترام برای بینندگان قائلم.

(استاد)

بله برسید.

(مجری)

حاج آقا فرمودند که ندادن هم روزی است و درست است، از یک طرف هم در آیات و روایات و تجربیات دیداری و شنیداری هست فقر که بیاید، دین از آن در دیگر می‌رود، این چطور با هم جمع می‌شود؟

(استاد)

ببینید اگر فقر بدون صبر بیاید همین است اما یکی از روزی‌های خدا صبر مع الفقر است. پس اگر خدای متعال این دو تا روزی را با هم به من بدهد، ندادن‌ها و گرفتن‌ها باشد، ظرفیت و صبوری هم باشد، فقر مع الصبر از غناء مع الإعطاء ثوابش بیشتر است. ما خیال می‌کنیم اگر خدا گرفت، نداد، من فقیر شدم، این روزی نیست. روزی هست، اما بری اینکه دین از در دیگر خارج نشود، خدای متعال لطف می‌کند، به من صبر هم می‌دهد. الآن عرض کردم، دختران موسی بن جعفر (علیه السلام) با یک چادر، متناوب نماز می‌خواندند؛ اما یکی از این دختران حضرت معصومه (سلام الله علیها) است که ما وقتی زیارتش می‌رویم، بهشت بر ما واجب می‌شود.

(مجری)

یک تجربه فرستادند، اجازه بدهید بخوانم، جالب است. طاعات و عبادات قبول، در مورد برکتی که حج با خودش می‌آورد، یک تجربه را می‌خواستم با شما در میان بگذارم. مادرم با اینکه مستطیع نبودند، همیشه از خدا طلب حج می‌کردند، خداوند هم قسمتشان کرد. از خدا خواستند به نیت مادرشان دوباره بتوانند حج بجا بیاورند، خداوند هم عنایت کردند، در حال حاضر هم به نیابت از پدرشان عازم هستند. بعد از اولین بار خداوند گشایش و برکت خاصی در زندگی‌شان قرار داده، با تشکر از همه دست‌اندرکاران این برنامه، عاقبت بخیر باشید. یک سوال هم دارم، مادر دارند به نیابت انجام می‌دهند بهتر است یا ثواب هدیه بشود؟

(استاد)

این بستگی به نظر مرجع تقلیدشان دارد، اگر نیابتی که دارند از پدر می‌کنند، نیابت از حج واجب است، باید نیت نیابت کنند. اگر پدر حجشان را رفتند و حالا می‌خواهند به نیابت از پدر باشند، ما توصیه‌مان این است که نیتشان را گسترش بدهند، انبیاء، اوصیاء، اولیاء، شیعیان، شهدا و ضمناً بگویند و پدر و مادر، همه را در نیت شریک کنند که سفره خدا گسترده است.

(مجری)

(تیتراژ) پایانی برنامه دارد پخش می‌شود، فقط بفرمایید که اگر غیبت کسی را کردیم، الآن نمی‌توانیم به ایشان بگوییم، صدقه (باید بدهیم)؟

(استاد)

صدقه و استغفار و اگر بتوانیم به او خوبی کنیم، به گونه‌ای که متوجه نشود.

(مجری)

خیلی متشکرم.

فهرست منابع

۱. سوره مومنون، آیه ۳، ۲، ۱.
۲. الکافی: ۲/۱۱۴/۶.
۳. نهج البلاغه: الحكمة ۱۳۲.
۴. الخصال، ص ۹.
۵. بحار الأنوار: ۱۰۳/۲۱/۱۸.
۶. بحار الأنوار: ۹۶/۱۴۷/۲۴.
۷. سوره بقره، آیه ۲۱۶.
۸. سوره عنكبوت، آیه ۶۲.
۹. سوره حشر، آیه ۱۹.
۱۰. سوره اسراء، آیه ۱۸.
۱۱. سوره بقره، آیه ۲۰۰.
۱۲. سوره فرقان، آیه ۱۶.
۱۳. سوره الشرح، آیه ۶.
۱۴. سوره انفال، آیه ۲۸.
۱۵. سوره اسراء، آیه ۲۳.
۱۶. سوره اسراء، آیه ۳۱.
۱۷. نهج البلاغه: الخطبة ۲۰۹.